

پیش‌خوانی

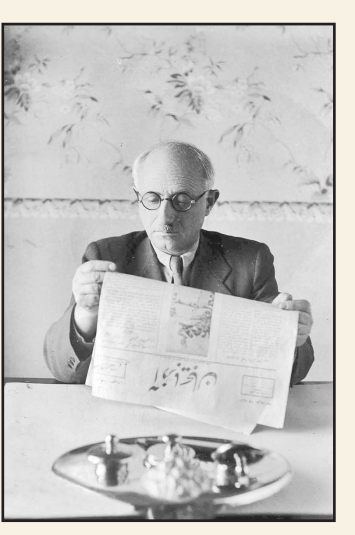
«بحران آذربایجان» در آینه خاطرات آیت‌الله حاج میرزا عبدالله مجتهدی

آغاز و انجام یک فرقه!

■ **محمد رضا کائینی**



اثری که هم‌اینک درباره آن سخن می‌رود، خاطرات زنده‌یاد آیت‌الله حاج میرزا عبدالله مجتهدی از علمای آذربایجان، از دوران حکومت فرقه دموکرات بر این خطه است. رسول جعفریان – که این اثر به کوشش وی تدوین یافته- در دیباچه خویش بر این کتاب، سعی دارد که اهمیت این روایت و نویسنده آن را به این شرح تشریح کند: «با توجه به عنوان اثر، باید به دو مسئله عمده اشاره شود، اولاً: مطالعه و پژوهش پیرامون «بحران آذربایجان» از چه روی می‌تواند برای تاریخ معاصر ایران قابل توجه باشد؟ و دوم اینکه آیا خاطرات مکتوب مرحوم مجتهدی، می‌تواند مبنای استناد تاریخی باشد یا خیر؟ در باب پرسش نخست باید گفت در جریان اشغال ایران در ۱۳۲۰ ش. توسط نیروهای نظامی روس و انگلیس به بهانه حمایت ایران از آلمان‌ها در جنگ جهانی، روس‌ها شمال ایران و آذربایجان را از آن خود کردند. با پایان جنگ در ۱۳۲۴، هردو نیروی اشغالگر بنا بر توافق، ملزم به ترک خاک ایران شدند. روس‌ها برای ایجاد جای پای دائمی در ایران، به تکاپو افتادند! آنان که سال‌ها در تهران و سایر شهرها به تقویت حزب توده پرداخته بودند، در کردستان و آذربایجان نیز به تأسیس حزب و جمعیت کمونیستی «دموکرات» پرداختند. دانستان از آنجا شروع می‌شود که میرجعفر پیشه‌وری اصالتاً خلخالی – که از ۱۶ سالگی به باکو رفته بود- پس از سه دهه همکاری با سازمان‌های جاسوسی روسیه و مجذوب شدن در آموزه‌های بلشویکی و کمونیستی منطقه قفقاز، به ایران بازمی‌گردد و در سال ۱۳۲۴، سه نمایندگی از مردم تبریز در مجلس چهارم انتخاب می‌شود. اما به دلیل سوابق مشکوک، تهران اعتمادنامه‌اش را لغو می‌کند. پیشه‌وری با خود رأی و حمایت



سیدجعفر پیشه‌وری

بنیانگذار حزب دموکرات آذربایجان

روسیه به تبریز رفته و در شهریور ۱۳۲۴ به کمک همفکران خود، حزب دموکرات را که همان حزب توده یا گرایش‌ات افراطی «سوسیالیسم ترکی – آذری» باشد، بنیان می‌گذارد و با تأسید بر زبان ترکی و قومیت‌گرایی خود را وزیرالوزاری دولت ملی و مستقل خوانده و کابینه تشکیل می‌دهد و در پی نوعی حکومت خودمختار برمی‌آید که رویای جدایی‌طلبی از ایران را در سر دارد. جمعیت نامبرده در کمتر از یک سال و چند ماه، پس از خروج روس‌ها از کشور با حمله نظامی ارتش دولت مرکزی ایران در زمان سلطنت محمد رضا پهلوی و با همراهی مردم بومی و مسلح آذربایجان، در کمتر از ۲۴ ساعت، به‌طور کامل از هم فروپاشید و سران آن متواری یا کشته شدند.

در باره مؤلف نیز سخن از این قرار است: آیت‌الله حاج میرزا عبدالله مجتهدی به دلیل سرنشانی خود و خاندانش، در نوشتن خاطرات، حتی‌المقدور خود را به منابعی که به نوعی درگیر آن خرداد بوده، می‌رساند. گاه این منبع، ملاقات چندین باره آیت‌الله با شخص پیشه‌وری است و گاه گپ و گفت با تعداد قابل توجهی از سران و مسئولان فرقه و گاه مشاهدات و مطالبی است که از مردم عادی و بومی منطقه و حومه به اطلاع ایشان می‌رسد و گاه نیز حاصل مشاهده مستقیم خود وی.

ایشان در او ان ۴۰سالگی و پختگی، به خطر جدایی همیشگی آذربایجان از ایران پی برده و نگارش خاطرات روزانه خود در باب احولات آذربایجان و حومه را از ۱۲ آذر ۱۳۲۴ (چند روز پیش از روی کار آمدن رسمی فرقه دموکرات) تا ۲۱ آذر ۱۳۲۵، که با انحلال و نابودی کامل فرقه دموکرات مقارن است، ادامه می‌دهد.»

حزب ملل اسلامی»

روزهایی که بر ما گذشت، تداعی‌گر سالروز تأسیس حزب ملل اسلامی در سال ۱۳۴۰ شمسی بود. هم از این رو و در مقالی که در پی می‌آید، منشأ، هویت آرمانی و کارنامه این جریان مبارزاتی، مورد بازخوانی قرار گرفته است. امید آنکه تاریخ پژوهان انقلاب اسلامی و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید! ■■■

رژیم پهلوی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، در سرکوب جنبش‌های سیاسی- نظامی مخالف، موفقیت زیادی به دست آورد و توانست فدائیان اسلام، حزب توده، سازمان افسران حزب توده و گروه‌ها و احزاب چپ را طریق نفوذ در کادر مرکزی آنها یا ترغندهای دیگر، سرکوب کند اما هنگامی که جان اف. کندی از حزب دموکرات آمریکا روی کار آمد، شاه را مجبور کرد علی‌امینی را به عنوان نخست‌وزیر بپذیرد. فضای نسبتاً باز تر سیاسی ایجاد کند و دست به سلسله اصلاحاتی از قبیل اصلاحات ارضی و ارائه لایحه انجمن‌های ایالتی - ولایتی بزند. پرواض است که این رویکرد، جلگی برای بقای رژیم پهلوی، به عنوان ژاندارم آمریکا در منطقه اتخاذ شده بود. در این دوره، در پی کاهش نسبی فشار حکومت از روی گروه‌های سیاسی، احزابی چون جبهه ملی دوم، نهضت آزادی، گروه‌های چپ و کمی بعدتر گروه‌های اسلامی، از قبیل جمعیت مؤتلفه اسلامی و حزب ملل اسلامی، شروع به فعالیت کردند.

■ **علل گرایش گروه‌های سیاسی آن مقطع به شیئ‌دیده‌ی او**
وضعیت سیاسی - اجتماعی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، در تسریع روند شکل‌گیری حرکت‌های مسلحانه در ایران، تأثیری فراوان داشته است. تحت تأثیر اندیشه‌های این حزب قرار گرفته بود. خاستگاه پس از آن، مبارزه مسلحانه الگوی مطلوب احزاب و گروه‌های ضد رژیم تلقی می‌شد. شکست جبهه ملی دوم، دستگیری اعضای نهضت آزادی، ناکامی قیام ۱۵ خرداد ۴۲، تبعید امام خمینی و افزایش تدابیر نظامی امنیتی رژیم شاه، در نسل جوان و مبارز مخصوصاً دانشجویان، نوعی سرخوردگی را ایجاد کرده بود و به خصوص پس از شکست قیام ۱۵ خرداد، اکثر گروه‌ها عم از اسلامی و چپ، به این نتیجه رسیده بودند که دیگر فعالیت‌های مسالمت‌آمیز براساس قانون اساسی، پاسخگوی مبارزه با حکومت نیست و در برابر این رژیم، راهی جز توسل به مبارزه مسلحانه باقی نمانده است! اوج‌گیری اقدامات سرکوبگرانه رژیم- که نماد برجسته آن ۱۵ خرداد بود- بر تمام مبارزات علنی و قانونی، خط پطلان کشید و روند تکاملی مشی مسلحانه را در تمام گروه‌ها جمله حزب



«حزب ملل اسلامی»، گذری بر منشأ، هویت آرمانی و کارنامه

حزبی که اعضای آن رهبر خود را نمی‌شناختند!

■ **نیما احمدپور**

روزهایی که بر ما گذشت، تداعی‌گر سالروز تأسیس حزب ملل اسلامی در سال ۱۳۴۰ شمسی بود. هم از این رو و در مقالی که در پی می‌آید، منشأ، هویت آرمانی و کارنامه این جریان مبارزاتی، مورد بازخوانی قرار گرفته است. امید آنکه تاریخ پژوهان انقلاب اسلامی و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید! ■■■

رژیم پهلوی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، در سرکوب جنبش‌های سیاسی- نظامی مخالف، موفقیت زیادی به دست آورد و توانست فدائیان اسلام، حزب توده، سازمان افسران حزب توده و گروه‌ها و احزاب چپ را از طریق نفوذ در کادر مرکزی آنها یا ترغندهای دیگر، سرکوب کند اما هنگامی که جان اف. کندی از حزب دموکرات آمریکا روی کار آمد، شاه را مجبور کرد علی‌امینی را به عنوان نخست‌وزیر بپذیرد. فضای نسبتاً باز تر سیاسی ایجاد کند و دست به سلسله اصلاحاتی از قبیل اصلاحات ارضی و ارائه لایحه انجمن‌های ایالتی - ولایتی بزند. پرواض است که این رویکرد، جلگی برای بقای رژیم پهلوی، به عنوان ژاندارم آمریکا در منطقه اتخاذ شده بود. در این دوره، در پی کاهش نسبی فشار حکومت از روی گروه‌های سیاسی، احزابی چون جبهه ملی دوم، نهضت آزادی، گروه‌های چپ و کمی بعدتر گروه‌های اسلامی، از قبیل جمعیت مؤتلفه اسلامی و حزب ملل اسلامی، شروع به فعالیت کردند.

■ **علل گرایش گروه‌های سیاسی آن مقطع به شیئ‌دیده‌ی او**

وضعیت سیاسی - اجتماعی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، در تسریع روند شکل‌گیری حرکت‌های مسلحانه در ایران، تأثیری فراوان داشته است. تحت تأثیر اندیشه‌های این حزب قرار گرفته بود. خاستگاه پس از آن، مبارزه مسلحانه الگوی مطلوب احزاب و گروه‌های ضد رژیم تلقی می‌شد. شکست جبهه ملی دوم، دستگیری اعضای نهضت آزادی، ناکامی قیام ۱۵ خرداد ۴۲، تبعید امام خمینی و افزایش تدابیر نظامی امنیتی رژیم شاه، در نسل جوان و مبارز مخصوصاً دانشجویان، نوعی سرخوردگی را ایجاد کرده بود و به خصوص پس از شکست قیام ۱۵ خرداد، اکثر گروه‌ها عم از اسلامی و چپ، به این نتیجه رسیده بودند که دیگر فعالیت‌های مسالمت‌آمیز براساس قانون اساسی، پاسخگوی مبارزه با حکومت نیست و در برابر این رژیم، راهی جز توسل به مبارزه مسلحانه باقی نمانده است! اوج‌گیری اقدامات سرکوبگرانه رژیم- که نماد برجسته آن ۱۵ خرداد بود- بر تمام مبارزات علنی و قانونی، خط پطلان کشید و روند تکاملی مشی مسلحانه را در تمام گروه‌ها جمله حزب



«حزب ملل اسلامی»، گذری بر منشأ، هویت آرمانی و کارنامه

حزبی که اعضای آن رهبر خود را نمی‌شناختند!

■ **نیما احمدپور**

ملل اسلامی تسریع کرد. از سوی دیگر، پنهانکاری و فعالیت‌های مخفی، بخش اعظم توان یک حزب یا گروه را تحلیل می‌برد و امکان فعالیت گسترده را از آن می‌گرفت. مأموران دولتی هم مخفی‌کاری احزاب را بر عملکرد آنها در سطح جامعه، ترجیح می‌دادند. احزاب کوچک با گرایش‌های مسلحانه، به ویژه پس از یک اقدام تروریستی یا خرابکاری یا مصادره اموال یک مؤسسه دولتی، بیش از پیش به پنهانکاری و حفظ بقای خود روی می‌آوردند که همین امر، روی گستره اقدامات آنها تأثیر می‌گذارد و از چند جنبه، قابلیت‌های مبارزاتی حزب یا گروه را کاهش می‌داد. در چنین وضعیتی اولاً حداکثر نیروی حزب، صرف حفظ خود می‌شود. ثانیاً نظام طبقه‌بندی حزب و بوروکراسی افزایش پیدا می‌کند. ثالثاً اعضا به یکدیگر بدبین می‌شوند و مخصوصاً کادر رهبری نسبت به اعضای زبردست خود، سوءظن پیدا می‌کنند. رابعاً به دلیل رعایت مسائل امنیتی، عضوگیری جدید بسیار محدود می‌شود و حزب یا گروه، پویایی خود در جلب توده‌های مردمی را از دست می‌دهد. به همین دلیل هم احزاب و گروه‌های مسلحانه، در کسب قدرت چندین موفق نمی‌شوند، چون بعد از چند عمل تروریستی، کشف می‌شوند و از بین می‌روند!

حزب ملل اسلامی هم تا سرکوب قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، جز چند عضو کادر می‌گرفت- که از ابتدای تأسیس در آن عضو بودند- عضو جدیدی نگرفته بود اما از همان ابتدای تأسیس، مراننامه داشت و پس از ۱۵ خرداد هم فعالیت‌ها و عضوگیری آن تسریع شد.

■ **جوانی ۲۰ساله در پی آرمانی بزرگ!**

سیدمحمد کاظم موسوی بجنوردی، مؤسس حزب ملل اسلامی در عراق عضو حزب توده بود. تحت تأثیر اندیشه‌های این حزب قرار گرفته بود. خاستگاه او در زمانه جوانی و مبارزه مسلحانه، به ویژه که تحت تأثیر اندیشه‌های اسلامی و کتاب‌های پدرش، بافکار دینی آشنایی بیشتری پیدا کرده بود. مطالعات گسترده او در زمینه اسلام و نیز مارکسیسم، به او توان سازماندهی و راه‌اندازی یک حزب را بخشیده بود. به این ترتیب او توانست با کمک شش نفر، سازمان بسیار پیچیده حزب ملل اسلامی را بنیانگذاری کند. او نه تنها اساسنامه حزب‌الدعوه را الگو قرار داد و مراننامه حزب، ملل اسلامی را از روی آن نوشت، بلکه مراحل تکوین و حرکت حزب از تأسیس تا پیروزی راه‌پی‌کم و کاست از حزب‌الدعوه اقتباس کرده بود.
باین همه رهبر حزب ملل اسلامی، ادعای می‌کند که مراحل تکوین و حرکت انقلابی را از حزب‌الدعوه اقتباس نکرده، چون فعالیت آن حزب،

د

جامعه ایرانی پیش از حزب ملل اسلامی، فعالیت فدائیان اسلام را تجربه کرده بود که به گفته سید کاظم موسوی بجنوردی، در شکل‌گیری تفکرات او تأثیر بسزایی داشت. حرکت فدائیان اسلام، اولین حرکت خردجوش از جوانان مسلمان ایرانی بدون تأثیر پذیری از جریانات خارج از کشور بود، اما حزب ملل اسلامی، مستقیماً از پدیده اسلام‌گرایی جهان عرب، تأثیر گرفته بود!

در سال ۱۳۴۴ دستگیر شدند. سیدمحمد کاظم موسوی بجنوردی، محمدجواد حجتی کرمانی، عباس آقازمانی (بوشریف)، جواد منصورى، عباس مظاهری، علی‌اکبر صلاح‌مندی، محمد پیران، احمد منصورى، حمیدخان‌محمد، احمد شیرینی، ابوالحسن فلاحتی موحّد، سیدحسن طباطبایی، سیداصغر قریشی، محمدعلی جمالیان، احمد آقازمانی، محمدتقی شالچی، سیداحمد تقوی، عباس دوزدوزانی، ابوالقاسم سرحدی‌زاده، مرتضی حاجی، محمد کاظم سیفیان، محمدباقر صنوبری، حسن ابن‌الرضا، حسن عزیزی ملقب به حامد، محمد سیدمحمدوی، احمد احمد، محمد میرمحمدصادقی و علی نورصادقی شناخته شده‌ترین اعضای حزب ملل بودند. آرم ماهنامه «خلق» نیز پرچم سرخی است با ستاره‌های هشت‌پر در دایره‌ای سفید در مرکز آن!

۲- مرحله آمادگی: در این مرحله اعضای حزب، ضمن یادگیری آموزش‌های نظامی، خود را برای مبارزه با رژیم و ایجاد نفرت از آن در توده مردم و ترویج آنان برای پوستن به حرکت انقلابی، آماده می‌کردند.

۳- جهاد سیاسی: در این مرحله، حزب موجودیت خود را اعلام می‌کرد و در صورتی که عملیاتی انجام می‌داد، مسئولیت آن را رسماً به‌عهده می‌گرفت حزب ملل اسلامی برای دستیابی به پیروزی، سه دوره را در نظر گرفته بود:

دوره اول: اعلان موجودیت حزب و دعوت مردم به مبارزه مسلحانه با رژیم

دوره دوم: عملیات تخریبی در دستگاه‌های دولتی و ترور شخصیت‌های برجسته دولتی و حکومتی و ایجاد رعب و وحشت در میان فرمانران رژیم و ایجاد تنفر از رژیم در بین مردم

دوره سوم: آغاز مبارزه مسلحانه تمام‌عیار.

■ **پیچیدگی تشکیلات حزب ملل اسلامی**

ماهیت مسلحانه و مخفی بودن مبارزات حزب ملل اسلامی، مستلزم ایجاد تشکیلات و سازمانی بسیار پیچیده بود تا امکان کشف آن توسط حکومت، به حداقل برسد. رهبر این تشکیلات، اختیارات فوق‌العاده گسترده‌ای داشت. از جمله می‌توانست تمام عناصر حزبی را راساً نصب یا عزل کند و در صورت پیروزی و در دست گرفتن قدرت، بر کل جریانات جامعه از جمله عزل و نصب رئیس‌جمهور و وزیران کنتر گذاشتن اعضای کمیته مرکزی حزب، لغو انتخابات پارلمانی و برگرزای مجدد، نظارت بر امور فرهنگی، اقتصادی و قضایی و… را در دست داشته باشد! با این همه رهبر حزب ملل، برخلاف رهبری حزب‌الدعوه یا انقلاب اسلامی، شخصیتی کاربزماتیک نداشت و هم از این‌رو، از پشتیبانی قشر روحانی و تحصیلکرده‌های رده بالای جامعه، برخوردار نبود و همین امر، مانع بزرگی برای کسب حمایت علما و بازاریان بود. هرچند

حجت‌الاسلام‌المسلمین محمدجواد حجتی کرمانی از طلاب علوم دینی بود ولی نمی‌توان او را نماینده قشر روحانی در حمایت از حزب و رابطه بین حزب و علما و بازاریان برشمرد. وی حتی نشریه حزب و از رفیق شفیق خود، شهید دکتر محمدجواد باهنر و برادرش هم- که هر دو نمایلات ضد رژیم داشتند و فعالیت مبارزاتی هم می‌کردند- مخفی می‌کرد! کمیته مرکزی حزب ملل اسلامی، شامل رهبر، دبیر کل، مسئول امور مالی و سه معاون می‌شد که تنها به وسیله فرمانده شاخه، به‌دنه اصلی حزب وصل می‌شد و در مواقع خطر، کافی بود که فرمانده شاخه، مخفی‌شود تا از رابطه بین کمیته مرکزی و بدنه حزب، کاملاً قطع‌شود! در سلسله مراتب حزبی پس از کمیته مرکزی، واحد، حوزه، شاخه، مدرسه و کلاس قرار داشت و نظارت مسلط، از بالا به پایین اعمال می‌شد. تشکیلات عبارت بودند از: رهبر حزب، کمیته مرکزی، چند شبکه، هر شبکه دو گروه، هر گروه یک دسته، هر دسته دو شاخه، هر شاخه دو واحد، هر واحد دو مدرسه. حزب ملل اسلامی ۵۵ عضو تشکیلاتی داشت که همگی

■ **مراحل سه‌گانه فعالیت حزب ملل اسلامی برای تشکیل حکومت اسلامی**
حزب ملل اسلامی برای دستیابی به هدفش – که تشکیل حکومت واحد اسلامی در سراسر قلمرو مسلمانان بود- مراحل سه‌گانه زیر را برای خود تعریف کرده بود:
۱- مرحله عضوگیری و آموزش: در این مرحله تلاش می‌شد و از طریق نشریه «خلق» از مبارزان و مؤمنانی بود که می‌توانستند اهداف این گروه را به پیش ببرند. لذا تلاش می‌کردند با آشنا کردن افراد انتخاب شده با فرهنگ و پیشش حزبی بر گرفته شده از منابع اسلامی، از طریق آموزش‌های عقیدتی و سیاسی در کلاس درس و مساجد و از طریق نشریه «خلق» از گان رسمی حزب، این کار را انجام دهند. جذب نیرو در این حزب، به صورت کاملاً گزینشی و مخفیانه انجام می‌شد. سلسله مراتب تشکیلات عبارت بودند از: رهبر حزب، کمیته مرکزی، چند شبکه، هر شبکه دو گروه، هر گروه یک دسته، هر دسته دو شاخه، هر شاخه دو واحد، هر واحد دو مدرسه.

حزب ملل اسلامی ۵۵ عضو تشکیلاتی داشت که همگی اعضا را بنشاند و حتی هویت و نام رهبری حزب هم، فقط برای کمیته مرکزی مشخص بود. پنهان بودن هویت رهبری برای اعضا، موجب خوش بینی آنها می‌شد و چون آموزه‌ها و اهداف حزب اسلامی بود، با این تصور که رهبری در اختیار روحانیون است، به حزب اعتماد می‌کردند و عناصر مذهبی جذب آن می‌شدند! شاید فاش شدن هویت و نام رهبری، از رونق حزب کم می‌کرد و آن را متلاشی می‌ساخت، زیرا رهبری آن از شاخصه خاصی برخوردار نبود! در این حزب از ابتدا به هر یک از افراد، یک شماره رمز و نام مستعار داده می‌شد و لذا کسی نمی‌توانست پیش از دو یا سه نفر از اعضای هم‌عرض حزبی خود را شناسایی کند. اگر ساواک واحد یا مدرسه‌ای را کشف می‌کرد، کافی بود که شخص رابط با آن شاخه، پنهان شود تا از رابطه تمام اعضا با کمیته مرکزی، قطع‌شود! اما بی‌تجربگی و کم‌سن و سال بودن اعضا شب شد که در عمل، موفقیتی برای پیاده کردن دقیق این تشکیلات پیچیده به دست نیاید! به همین دلیل پس از دستگیری یکی از اعضای رده پایین به نام

بهمن ۱۳۴۴،سیدمحمدکاظم موسوی بجنوردی در دیدار اعضای حزب ملل اسلامی و در حال استماع رأی نهایی

بهمن ۱۳۴۴،سیدمحمدکاظم موسوی بجنوردی در دیدار اعضای حزب ملل اسلامی و در حال استماع رأی نهایی

بهمن ۱۳۴۴،سیدمحمدکاظم موسوی بجنوردی در دیدار اعضای حزب ملل اسلامی و در حال استماع رأی نهایی

بهمن ۱۳۴۴،سیدمحمدکاظم موسوی بجنوردی در دیدار اعضای حزب ملل اسلامی و در حال استماع رأی نهایی

بهمن ۱۳۴۴،سیدمحمدکاظم موسوی بجنوردی در دیدار اعضای حزب ملل اسلامی و در حال استماع رأی نهایی

بهمن ۱۳۴۴،سیدمحمدکاظم موسوی بجنوردی در دیدار اعضای حزب ملل اسلامی و در حال استماع رأی نهایی

بهمن ۱۳۴۴،سیدمحمدکاظم موسوی بجنوردی در دیدار اعضای حزب ملل اسلامی و در حال استماع رأی نهایی

محمدباقر صنوبری، کل تشکیلات لو رفت و اعضای آن دستگیر شدند!

■ **الگو برداری امنیتی از گروه‌های چپ!**

بدبهی است که چنین تشکیلات بی‌پسیده‌ای، نمی‌تواند حاصل تجربه و دانش جوانان کم‌سن و سالی، با میانگین سنی ۲۶ تا ۲۲ سال باشد. مطالعات گسترده رهبری حزب در باره احزاب کمونیستی، نشان می‌دهد که تشکیلات حزب ملل اسلامی، از لحاظ سازماندهی و روابط تشکیلاتی، بیشتر تحت تأثیر سازمان‌های چپ بود که در زمینه ایجاد تشکیلات مخفی و زیرزمینی، تجربه‌های زیادی داشتند. رهبری حزب ملل اسلامی، مدعی است که حزب در روابط تشکیلاتی خود، از نسخه خاصی گرته‌برداری نکرده، بلکه خود با توجه به شرایط ایران و رژیم پلیسی حاکم بر آن، ابتکاراتی را بر آنها افزوده و روابط تشکیلاتی خاصی را پدید آورده است.

■ **دیدگاه‌ها و مواضع حزب ملل اسلامی**

بالندگی تفکر اصلاح دینی متفکران اسلامی، در پیدایش احزابی با گرایش‌های اسلامی فرامذهبی، تأثیراتی مستقیم داشته است. حزب ملل اسلامی هم در صدد تشکیل یک حکومت اسلامی فرامذهبی و فرامزی بوده است و به‌رغم گرایشات و تفکرات شیعی کادر مرکزی، آنها روی وجوه مشترک ملل و فرق اسلامی تأکید و از عوامل و عناصر تفرقه‌برانگیز اجتناب می‌کردند. تنها هدف خود یعنی تشکیل حکومت اسلامی یا ملت‌واحد را محقق سازند. هرچند این نگاه ممکن است بی‌واقع‌بینانه تلقی شود ولی تجارت تاریخی معاصر در دنیای اسلام در جهت اتحاد بین احزاب شیعی و سنی، از جمله همکاری نزدیک رهبران حزب دعوت‌اسلامی شیعی و اخوان‌المسلمین در عراق، این تفکر رهبری حزب ملل اسلامی را تقویت می‌کرد. رهبری حزب ملل اسلامی، دستیابی به این آرمان را با نقش‌های مختلف حکومتی، چون سلطنتی و جمهوری در جهان معاصر، ممکن می‌دانست و در نشریه «خلق» از گان رسمی حزب ملل اسلامی، مقالات تندی در محکومیت این حکومت‌ها می‌نوشت. به اعتقاد کادر رهبری حزب ملل، رژیم سلطنتی کثیف‌ترین و مترج‌ترین رژیم‌هاست، زیرا علاوه بر مخالفت با اسلام، موجب جمود و سکون جامعه می‌شود و فرمانروایان نالایق این نظام، کارایی لازم برای اداره کشور را ندارند و به همین دلیل هم تلاش می‌کنند با دیکتاتوری، کارشان را به پیش بیزند و مخالفان آنرا سرکوب کنند. هرچند هدف حزب ملل اسلامی، تشکیل حکومت اسلامی بود، اما از شکل و ساختار این حکومت، تصویر واضحی ارائه نمی‌داد و جمهوری، مثلاً قواعد روشنی را برای انتخاب رهبر در حکومت اسلامی، عرضه نمی‌کرد.

■ **نگاه حزب ملل اسلامی به مشارکت عمومی**

با تمام ضعف‌ها و کاستی‌هایی که بدان اشارت رفت، حزب ملل اسلامی در زمینه فعالیت‌های سیاسی و مشارکت توده‌های مردم، دیدگاه‌های مثبتی داشت. از جمله طبق مراننامه حزب، زنان نیز حق رای داشتند که با توجه به دیدگاه‌های سنتی و متعصب جامعه در آن دوران، پیشش مترقیانه‌ای محسوب می‌شد. اما نگاه حزب به قدرت، نگاهی تمامیت‌خواه و اقتدارگرایانه است که فعالیت هیچ حزب دیگری را بر نمی‌آید و فعالیت تمام احزاب را غیرمجاز می‌داند! بدبهی است که این نگرش، امکان مدارا با صاحبان اندیشه‌های رقیب و مخالف را ناممکن می‌ساخت.

در یک کلام حزب ملل اسلامی، به‌رغم تأثیر پذیری از جریانات شیعی عراق، یکی از پیشروترین احزاب اسلامی در ایران بود و دیدگاه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آن تا انقلاب اسلامی، در بین حرکت‌ها و جریانات دینی موجود، کم‌نظیر بود.

■ **عوامل شکست حزب ملل اسلامی در مراحل اولیه فعالیت**

در تحلیل کلی و نهایی از پیدایش و علل نابودی حزب ملل اسلامی، باید گفت که این‌سبب یکی از حلقه‌های زنجیر او اسلام‌گرایی سیاسی بوده است. البته تبعه ایرانی پیش از حزب ملل اسلامی، سید کاظم موسوی بجنوردی، در شکل‌گیری تفکرات او تأثیر بسزایی داشت. حرکت فدائیان اسلام، اولین حرکت خردجوش از جوانان مسلمان ایرانی بدون تأثیر پذیری از جریانات خارج از کشور بود، اما حزب ملل اسلامی، مستقیماً از پدیده اسلام‌گرایی جهان عرب، تأثیر گرفته بود. البته نقش علما و مراجع بزرگ ایرانی تأثیر نجف در شکل‌گیری چنین تفکری، قابل انکار نیست. برخلاف هیئت‌های مؤتلفه اسلامی که قشر‌های مختلف روحانی، روشنفکر، بازاری، دانشجو، طلبه و… در آن شرکت داشتند، حزب ملل بیشتر از دانش‌نویسان، محصلین، دبیران و مهندسان جوان، طرفدار داشت و اکثر اعضای آن، از خانواده‌های متوسط و پایین‌شهری، با گرایشات مذهبی بودند. اما عوامل ناکامی این تشکل در گام‌های اولیه، به قرار ذیل است:

۱- عوامل داخلی حزب: بی‌تجربگی کادر رهبری و کمیته مرکزی و اعضای حزب، فقدان امکانات مالی برای ادامه فعالیت حزب، فقدان آموزش و تعلیمات رزمی برای مخفی‌ساز در صورت ضرورت و فقدان امکانات نظامی، عدم آشنایی دقیق کادر رهبری به تشکیلات حزبی.

۲- عدم آشنایی با جامعه ایرانی: عدم شناخت موقعیت خود و حکومت مرکزی، تسلط رژیم بر کشور با کمک ساواک و نهاییت عدم در دست رهبری حزب از سطح آگاهی‌های سیاسی مردم، اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه، باید اذعان کرد که حزب ملل اسلامی نیز چون گروه‌های چپ، نتوانست ساختاری منطقی و واقعیت‌ها و شرایط عینی جامعه ایرانی ارائه دهد و بیشتر اسبیر تصورات آرمانی و ذهنیت‌های خود بود که با واقعیت‌های عینی جامعه فاصله زیادی داشت!